



مضمون مؤلفه‌های سبک زندگی در بیانیه گام دوم انقلاب:

ارائه یک مدل مفهومی

محمد حیدری فرد^۱

۱

دوره ۱، شماره ۱، پیاپی ۱
تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

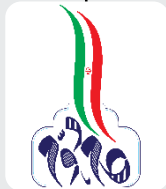
۱۴۰۴/۰۶/۰۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۶/۳۰

صص: ۱۰۵-۸۳

شابا چاپ:



چکیده
این تحقیق به تحلیل و تبیین مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در بیانات مقام معظم رهبری و بیانیه گام دوم انقلاب پرداخته و الگویی نظام‌مند برای تحقق تمدن نوین اسلامی ارائه می‌دهد. بیانیه گام دوم به عنوان نقشه راه کلان نظام در دوران معاصر، با مروری راهبردی بر دستاوردهای چهار دهه اول انقلاب، مسیر پیش رو را تا افق چشم انداز ۱۴۱۴ ترسیم می‌کند. با به کارگیری روش تحلیل مضمون، شش مؤلفه تشکیل دهنده سبک زندگی شناسایی شد: معنویت و بینش توحیدی به عنوان بنیان غایی، عقلانیت و خردورزی در مقام روش و ابزار، اخلاق اجتماعی به مثابه ساختار روابط، اقتصاد و معیشت به عنوان سبک زیست مادی، نهاد خانواده در جایگاه کانون تربیت، و سلامت و تندرستی به عنوان عامل ارتقای سرمایه انسانی. با اتکا به دیدگاه‌های مقام معظم رهبری و اندیشمندان اسلامی، وجوه تمایز این الگو را در جامعیت، تعادل، عقلانیت دینی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌توان نشان داد. یافته‌های این تحقیق با ارائه مدلی مفهومی، هم به غنای ادبیات علمی در حوزه تحلیل اسناد بالادستی می‌افزاید و هم چارچوبی عملیاتی برای سیاست‌گذاران و نهادهای فرهنگی فراهم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی اسلامی، بیانیه گام دوم انقلاب، مهندسی فرهنگی، جنبش نرم افزاری، تمدن نوین اسلامی.

DOI:

استناد: حیدری فرد، محمد (۱۴۰۴). مضمون مؤلفه‌های سبک زندگی در بیانیه گام دوم انقلاب: ارائه یک مدل مفهومی، پژوهش‌های راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی، (۱)، ۱۰۵-۸۳.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران، فراتر از یک تحول سیاسی، نقطه عطفی برای شکل‌گیری یک تمدن نوین بر پایه آموزه‌های دینی است. این مسیر طولانی، همواره نیازمند تبیین نظری، بازخوانی راهبردی و ارائه نقشه‌ای عملیاتی برای پاسخگویی به مقتضیات زمان است. در این راستا، بیانیه «گام دوم انقلاب» را که از سوی مقام معظم رهبری صادر گردید، می‌توان مهم‌ترین سند راهبردی کلان نظام در دوران معاصر دانست؛ سندی که با نگاهی ژرف به دستاوردهای چهار دهه اول انقلاب، مسیر پیش رو را برای «گام دوم» و در «افق چشم انداز ۱۴۱۴» ترسیم می‌نماید. این بیانیه، با معرفی هفت محور اساسی، چارچوبی جامع برای ساختن ایران اسلامی قدرتمند ارائه می‌دهد.

در میان این محورهای هفت‌گانه، محور «سبک زندگی» از جایگاهی بی‌بدیل و نقش‌آفرینی منحصر به فرد برخوردار است. به تصریح رهبر معظم انقلاب، سبک زندگی چیزی نیست جز «آنچه که به پیشرفت حقیقی ملت منجر می‌شود» و به عنوان «شاخص تحقق تمدن نوین اسلامی» قلمداد می‌گردد. این تأکید، حاکی از آن است که پیشرفت‌های علمی، اقتصادی و سیاسی، بدون استقرار یک الگوی زندگی برآمده از ارزش‌های اسلامی-ایرانی، ناپایدار و ناتمام خواهد بود. سبک زندگی، حلقه اتصال آرمان‌های کلان نظام به عرصه زندگی روزمره و رفتارهای جزئی شهروندان است و تجلی‌گاه عینی شدن ارزش‌ها در جامعه به شمار می‌آید.

با این وجود، علیرغم اهمیت محوری این موضوع، مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با سبک زندگی در متن بیانیه گام دوم، به صورت پراکنده و در قالب مثال‌ها، توصیه‌های اخلاقی و رهنمودهای کلان ارائه شده‌اند. این پراکندگی، فقدان یک چارچوب نظری نظام‌مند و عدم دسته‌بندی این مؤلفه‌ها، مهم‌ترین مانع بر سر راه «عملیاتی‌سازی» و «اجرائی کردن» این منشور ارزشمند است. بدون استخراج علمی این مفاهیم و تبدیل آن‌ها به یک مدل مفهومی یکپارچه، ارائه برنامه‌های عملی به نهادهای اجرایی و فرهنگی کشور و همچنین الگوسازی برای خانواده‌ها و افراد جامعه، با چالش‌های جدی مواجه خواهد بود.

این پژوهش با شناسایی این خلأ مهم، در صدد است تا با رویکردی علمی به این پرسش اصلی پاسخ گوید که مؤلفه‌ها و شاخص‌های سازنده سبک زندگی اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب و بیانیه گام دوم کدامند و چگونه می‌توان آن‌ها را در یک مدل مفهومی منسجم دسته‌بندی نمود؟

انجام این تحقیق از دو جهت دارای ضرورت بنیادین است: از جنبه «نظری»، این پژوهش به غنای ادبیات علمی در حوزه تحلیل اسناد بالادستی نظام کمک کرده و روشی برای واکاوی مضامین چنین متونی ارائه می‌دهد. از جنبه «عملی»، این تحقیق با تبدیل بیانیه به یک الگوی اجرایی، به مهندسی فرهنگی کشور یاری رسانده و گامی ضروری در مسیر تحقق عینی تمدن نوین اسلامی برمی‌دارد. پیشینه تحقیقات داخلی در حوزه بیانیه گام دوم را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: دسته اول مقالاتی هستند که به تحلیل کلیت بیانیه و تبیین محورهای هفت‌گانه آن پرداخته‌اند. دسته دوم، پژوهش‌هایی هستند که به صورت موردی به یکی از محورها، مانند اقتصاد یا علم، پرداخته‌اند. با این حال، پژوهشی که به صورت نظام‌مند و با روشی کیفی به استخراج و دسته‌بندی مؤلفه‌های «سبک زندگی» در این بیانیه به انضمام سایر بیانات و اسناد به سخنان سایر اندیشمندان اسلامی پرداخته باشد، مشاهده نشد. این پژوهش درصدد است تا این خلأ را پر نموده و دیدگاه نوینی در این عرصه ارائه دهد.

سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسی غرب

در مطالعات جامعه‌شناختی غرب، مفهوم «سبک زندگی» به عنوان یک چارچوب تحلیلی برای درک چگونگی شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی و تمایزات طبقاتی به کار می‌رود (Kim, 2021). (45, citing Weber, 1978: 234). خاستگاه این مفهوم به طور عمده به آثار جامعه‌شناسان کلاسیک مانند ماکس وبر بازمی‌گردد. وبر با ایجاد پیوند بین «منزلت اجتماعی» و «الگوهای مصرف»، سبک زندگی را نه صرفاً به عنوان ترجیحات شخصی، بلکه به عنوان نمادی برای تمایز طبقاتی معرفی کرد (وبر، ۱۳۵۷، ۲: ۱۵۶). از دیدگاه او، سبک زندگی بازتاب عینی موقعیت فرد در سلسله‌مراتب اجتماعی است که از طریق انتخاب‌های خاص در حوزه پوشاک، خوراک، فعالیت‌های فراغتی و حتی سلیقه‌های فرهنگی، مرزهای گروهی را تعیین نموده و هویت اجتماعی افراد را شکل می‌دهد. (Weber, 1978: 167)

در ادامه، پیر بوردیو، جامعه‌شناس فرانسوی، این مفهوم را با معرفی چارچوب نظری غنی‌تری بسط داد. او در اثر مشهور خود با عنوان «تمایز: نقد اجتماعی قضاوت ذوق»، مفاهیم کلیدی زیر را مطرح کرد:

- سرمایه فرهنگی: شامل دانش، مهارت‌ها و آموزش‌هایی که فرد از طریق آن‌ها موقعیت اجتماعی خود را تثبیت می‌کند.

- سرمایه اجتماعی: شبکه روابط اجتماعی که دسترسی به فرصت‌ها را تسهیل می‌کند.
- میدان: عرصه‌های رقابت اجتماعی که در آن‌ها کنشگران برای کسب موقعیت بهتر مبارزه می‌کنند.
- عادت‌واره: مجموعه‌ای از منش‌ها و سلیقه‌های ناخودآگاه که در فرآیند جامعه‌پذیری شکل می‌گیرند.
از نظر بوردیو، سبک زندگی محصول تعامل پیچیده بین ساختارهای عینی (مانند طبقه اجتماعی و اقتصادی) و ساختارهای ذهنی (مانند عادت‌واره) است. به عبارت دیگر، انتخاب‌های افراد در سبک زندگی، اگرچه به ظاهر شخصی به نظر می‌رسند، در واقع تحت تأثیر موقعیت اجتماعی و زمینه‌های فرهنگی آنان قرار دارند.

در این دیدگاه، سبک زندگی به مثابه یک «زبان نمادین» عمل می‌کند که نه تنها موقعیت اجتماعی فرد را نمایش می‌دهد، بلکه به بازتولید نابرابری‌های اجتماعی نیز کمک می‌کند (بوردیو، ۱۳۶۳: ۱۷۶).
برای مثال، انتخاب نوع پوشش، علاقه به یک سبک موسیقی خاص، یا حتی شیوه سخن گفتن، همگی به عنوان نشانه‌هایی عمل می‌کنند که فرد را در یک گروه اجتماعی خاص قرار داده و او را از دیگران متمایز می‌سازند (Bourdieu, 1984: 189)

نکته کلیدی در این دیدگاه آن است که سبک زندگی در جامعه‌شناسی غرب، عمدتاً پاسخی به موقعیت اجتماعی و محصول شرایط ساختاری دانسته می‌شود تا برآمده از یک انتخاب آگاهانه یا نظام ارزشی متعالی (گیدنز، ۱۳۷۰: ۱، ۲۳۴). به بیان دیگر، این نگاه بر کارکرد نمایشی سبک زندگی تأکید دارد که هدف اصلی آن نمایش تعلقات گروهی و تمایز از دیگران است، نه لزوماً بازتاب ارزش‌های اخلاقی یا معنوی عمیق. این رویکرد، سبک زندگی را بیشتر به عنوان یک پدیده قشربندی‌شناختی می‌بیند که به حفظ و بازتولید ساختارهای قدرت در جامعه کمک می‌کند (Giddens, 1991: 245)

سبک زندگی در رویکرد اسلامی

از سوی دیگر مفهوم سبک زندگی در رویکرد اسلامی در تقابلی روشن با پارادایم مسلط در جامعه‌شناسی غرب قرار می‌گیرد. در حالی که دیدگاه‌های وبر و بوردیو، سبک زندگی را عمدتاً محصول ساختارهای اجتماعی و ابزاری برای تمایز طبقاتی می‌دانند، رویکرد اسلامی ریشه در

جهان‌بینی توحیدی دارد که غایت هستی را فراتر از مناسبات مادی و اجتماعی تعریف می‌کند. این جهان‌بینی، هستی را نظامی حکیمانه می‌داند که هدف نهایی آن هدایت انسان به سوی کمال و قرب ربوبی است. بر این اساس، سبک زندگی در منظومه فکری اسلام، به مثابه مسیری برای تحقق این هدف متعالی تعریف می‌شود: مجموعه‌ای از انتخاب‌ها و رفتارهای به ظاهر کوچک و بزرگ که در پرتو شریعت و عقلانیت دینی، جهت‌دار شده و معنا می‌یابند. (حکیمی، ۱۳۸۲: ۴۵).

شهید مرتضی مطهری به عنوان یکی از برجسته‌ترین مفسران اندیشه اسلامی، با تکیه بر مفهوم محوری «فطرت»، چارچوبی جامع برای تبیین سبک زندگی اسلامی ارائه می‌دهد. از منظر وی، انسان دارای سرشتی الهی و ثابت است که گرایش به حقیقت، خیر، زیبایی و پرستش در آن نهادینه شده است (مطهری، ۱۳۷۵، ۱۲۳). سبک زندگی اسلامی، در حقیقت، پاسخگویی به همین ندای درونی و هماهنگ کردن تمامی شئون زندگی با این گرایش فطری است. بنابراین، هدف غایی آن، نه «تمایز اجتماعی» یا نمایش موقعیت طبقاتی، بلکه رسیدن انسان به «قرب الهی» و «تعالی اخلاقی» است. این هدفمندی، به تمامی اجزای زندگی - از خوردن و خوابیدن تا کسب و کار و روابط اجتماعی - معنایی جدید و قدسی می‌بخشد و آنها را به عبادتی تبدیل می‌کند که انسان را در مسیر حرکت به سوی کمال مطلق قرار می‌دهد (مطهری، ۱۳۶۲: ۸۹).

این دیدگاه کلان‌نگر در تفسیر علامه سید محمدحسین طباطبایی در المیزان به شکلی ژرف‌تر و نظام‌مند بسط می‌یابد. علامه طباطبایی با نگاهی هستی‌شناختی، زندگی دنیوی را مزرعه آخرت و زمینه‌ساز تکامل روحی انسان می‌داند. از دیدگاه وی، دنیا و آخرت دو مرحله از یک حقیقت به هم پیوسته هستند و هیچ عمل کوچکی در این دنیا، فارغ از آثار اخروی آن نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱، ۲۳۷). بر این اساس، او بر این باور است که «معنویت» نباید به حوزه‌ای خصوصی و منفک از زندگی عادی تقلیل یابد، بلکه باید به صورت جاری و ساری در تمامی شئون زندگی فردی و اجتماعی حضور داشته باشد. این نگاه، به مثابه یک پارادایم نظری، تمامی عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، خانوادگی و اجتماعی را تحت الشعاع قرار داده و برای آنها غایتی فرامادی تعریف می‌کند. برای نمونه، فعالیت اقتصادی در این چارچوب، علاوه بر تأمین معاش، میدان آزمایش امانتداری، عدالت، انصاف و کمک به محرومان شده و از سطح یک کنش مادی محض، به یک عمل معنوی ارتقا می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲، ۸۵).

این نگاه یکپارچه‌نگر، سبک زندگی را از یک پدیده صرفاً جامعه‌شناختی که توسط عوامل مادی و طبقاتی تعیین می‌شود، فراتر برده و به آن ابعاد فلسفی، الهیاتی و اخلاقی می‌بخشد. بعد فلسفی آن به رابطه هستی‌شناختی انسان با جهان و جایگاه او در نظام خلقت برمی‌گردد. بعد الهیاتی، به نقش دین به عنوان منبع معیارها و ارزش‌های هدایت‌کننده و نیز غایت حرکت انسان اشاره دارد. بعد اخلاقی نیز سبک زندگی را به عرصه‌ای برای تجلی فضیلت‌هایی مانند عدالت، ایثار، صداقت و تقوا تبدیل می‌کند که مبنای سنجش آنها، رضایت الهی و کمال نفس است، نه تأیید اجتماعی یا کسب منزلت (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۵۶).

بنابراین در حالی که رویکرد غربی به سبک زندگی، بر «تمایز» و «بازتولید مناسبات قدرت» متمرکز است و آن را پدیده‌ای عمدتاً افقی و جامعه‌محور می‌بیند، رویکرد اسلامی با نگاهی عمودی و خدا محور، آن را «مسیر کمال» و «ابزار تربیت» تفسیر می‌کند. این رویکرد، با معنا بخشیدن به جزئی‌ترین رفتارهای روزمره و ارتباط دادن آن‌ها به اهداف متعالی، الگویی را ارائه می‌دهد که در آن، مادیت و معنویت، فرد و جامعه و دنیا و آخرت در یک پیوند ناگسستنی قرار می‌گیرند.

تحلیل مؤلفه‌های سبک زندگی در بیانات مقام معظم رهبری

پس از بیان پیشینه نظری تحقیق در متون غربی و اسلامی نوبت به تحلیل مباحث سبک زندگی در بیانات مقام معظم رهبری می‌رسد. تحلیل مضمون نظام‌مند بیانات مقام معظم رهبری با استفاده از روش تحلیل مضمون براون و کلارک (Braun & Clarke, 2006: 79) منجر به شناسایی و استخراج ۶ مضمون سازمان‌دهنده اصلی و ۲۸ مضمون پایه شد که یک شبکه مفهومی را تشکیل می‌دهند. این مضامین در ادامه به تفصیل تبیین شده و با انضمام شواهد متنی از سایر اندیشمندان اسلامی مستندسازی می‌شوند.

۱- معنویت و بینش توحیدی (بنیان غایی)

معنویت به عنوان ستون فقرات و جهت‌گیر اصلی تمامی مضامین دیگر در مدل سبک زندگی اسلامی عمل می‌کند. معنویت توحیدی، زیربنای اساسی و جهت‌دهنده تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی است. مقام معظم رهبری در این باره تأکید می‌فرماید: "معنویت، یعنی پیوند با خدا و حرکت به سوی کمال مطلق، که باید در تمام شئون زندگی جاری شود" (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۷/۲۱).

این دیدگاه با اندیشه‌های اندیشمندان اسلامی همسو است؛ چنانکه شهید مطهری معنویت توحیدی را فطرتی که در نهاد انسان به ودیعه نهاده شده می‌داند که انسان را به سوی کمال سوق می‌دهد و هشدار می‌دهند که «سبک زندگی اسلامی بدون پایه‌های معنوی، همچون بنایی است بر روی شن‌های روان» (مطهری، ۱۳۷۵: ۹۲). معنویت توسط آیت‌الله جوادی آملی به عنوان «اکسیژن زندگی اسلامی» و «تجلی‌گاه توحید در تمامی عرصه‌های زندگی» توصیف شده است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۲۷-۱۲۳). این همگرایی دیدگاه‌ها نشان‌دهنده جایگاه محوری معنویت به عنوان اساس سبک زندگی اسلامی است.

این مضمون اصلی شامل مضامین پایه زیر است:

۱-۱. تقویت ایمان و باورهای دینی: تقویت ایمان به عنوان زیربنای تمامی رفتارها و انتخاب‌ها در سبک زندگی اسلامی عمل می‌کند. مقام معظم رهبری ایمان را «قوی‌ترین پایه برای زندگی سعادت‌مند» می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۲/۱۲). زیرا ایمان، به سان نیروی محرکه‌ای است که به زندگی انسان جهت و معنا می‌بخشد.

۱-۲. اخلاص و قصد قربت: در نظام ارزشی اسلام با تأکید بر محوریت «اخلاص» و «قصد قربت» در کارها، بر این امر به عنوان اساس پذیرش اعمال در پیشگاه الهی تأکید شده است. ایشان با استناد به روایت معروف «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۱، ۴۵) نیت خالص را معیار اصلی ارزش‌گذاری اعمال می‌داند و تصریح می‌کنند: «همه ارزش عمل به نیت آن است؛ اگر نیت خالص باشد، عمل کوچک هم بزرگ می‌شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۳/۱۵).

۱-۳. توکل و تفویض: «توکل» در منظومه فکری اسلامی، به معنای واگذاری امور به خداوند پس از به کارگیری تمامی توانایی‌ها و انجام تلاش و برنامه‌ریزی لازم است. ایشان در بیانات خود با استناد به آیه ۳ سوره آل عمران «وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا»، توکل را عامل آرامش و اطمینان قلب معرفی نموده و تصریح می‌فرمایند: «توکل یعنی انسان پس از اینکه از همه اسباب عادی استفاده کرد، دل را به خداوند متصل کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۷/۱۲).

۱-۴. ذکر و دعا: جایگاه محوری «ذکر» و «دعا» در سلوک فردی و اجتماعی مسلمانان، باعث می‌شود که آن را «غذای روح» و عامل اصلی حیات معنوی انسان بدانیم. ایشان در بیانات خود با استناد به آیه ۲۸ سوره رعد «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»، ذکر خداوند را مایه آرامش دل‌ها و تعالی روح

انسان برشمرده و تصریح می‌فرمایند: «ذکر خدا باید در تمام لحظات زندگی جاری باشد؛ همان‌گونه که نفس می‌کشیم، باید ذکر خدا را نیز بر زبان داشته باشیم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۳/۱).

۱-۵. شکرگزاری: «شکرگزاری» در آیات و روایات، کلید افزایش نعمت‌ها و موجب جلب رحمت الهی است. ایشان با تبیین ابعاد مختلف شکر، آن را شامل سه بعد «قلبی، زبانی و عملی» می‌دانند و تأکید می‌کنند: «شکر واقعی آن است که انسان نعمت‌های الهی را در مسیر رضای خدا به کارگرفته و از اسراف و تبذیر بپرهیزد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۵/۱۰). این نگاه جامع، شکرگزاری را از سطح زبانی فراتر برده و آن را به سبکی از زندگی تبدیل می‌کند که در آن استفاده بهینه از نعمت‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرد.

این مضامین در کنار یکدیگر، شبکه معنایی جامعی را تشکیل می‌دهند که سبک زندگی اسلامی را بر پایه‌های استوار معنوی پایه ریزی نموده و به آن جهت و معنا می‌بخشد.

۲- عقلانیت و خردورزی (روش و ابزار)

این عنصر به عنوان سازوکار و ابزار عملیاتی‌سازی اهداف سبک زندگی اسلامی عمل کرده و کارکردی راهبردی در این منظومه دارد. واکاوی بیانیه گام دوم انقلاب و منظومه فکری رهبر معظم انقلاب نشان می‌دهد که خردورزی اسلامی، در مقام مشعلی هدایتگر و ابزاری برای کشف حقیقت، جایگاهی منحصربه‌فرد در نظام معرفت دینی اسلام داراست. مقام معظم رهبری در سخنرانی ۱۳۹۵/۲/۱۲ با تأکید بر اینکه «تعقل و خردورزی از ارکان اساسی تربیت اسلامی است»، بر محوریت عقل در تشخیص حق از باطل اصرار می‌ورزند. همچنین ایشان در امتداد روایات معصومین، عقل را «پیامبر باطنی» توصیف نموده و تصریح می‌فرمایند: «عقل سلیم، نیرویی است که انسان را به سوی حقایق رهنمون شده و از ضلالت‌ها رهایی می‌بخشد» (۱۳۹۸/۹/۱۲).

شهید مرتضی مطهری در تحلیل نسبت دین و عقل، با ارائه دیدگاهی عمیق و نظام‌مند، عقلانیت را میزان و معیار سنجش حق از باطل معرفی می‌کند. وی تصریح می‌کند: «اسلام، دین تعقل است و هر چه با عقل سلیم سازگار نباشد، با اسلام سازگار نیست» (مطهری، ۱۳۷۷: ۳، ۵۶). از نگاه مطهری، عقلانیت اسلامی دارای ماهیتی جامع و همه‌جانبه است که همزمان به هر دو بعد مادی و معنوی (دنیا و آخرت) توجه دارد. (مطهری، ۱۳۷۷: ۳، ۶۲). این نگاه، عقلانیت را از محدوده‌های تنگ مادی‌گرایی رها ساخته و به آن ابعاد متعالی می‌بخشد.

علامه سید محمدحسین طباطبایی در تفسیر ارزشمند «المیزان»، با ژرف‌اندیشی خاص خود، عقل را «حجت باطنی» الهی می‌خواند که به عنوان مکمل «حجت ظاهری» (پیامبران) عمل می‌کند. از دیدگاه ایشان، عقل و وحی دو جلوه از یک حقیقت واحد هستند که از مبدأ الهی سرچشمه می‌گیرند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵، ۲۳۴). به اعتقاد وی، هرگونه تعارض ظاهری بین عقل و نقل، ناشی از فهم نادرست و تفسیر اشتباه یکی از این دو منبع معرفتی است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵، ۲۳۷).

حضرت آیت‌الله جوادی آملی در کتاب «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی»، با تبیین دقیق رابطه عقل و وحی، عقل را «وسیله فهم دین» معرفی می‌کند. از نگاه ایشان، عقلانیت دینی، عقلانیتی است که در پرتو هدایت وحی به کمال خود دست یافته و از خطا مصون می‌ماند. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۹۱). ایشان با ارائه تمثیلی گویا، عقل بدون هدایت وحی را همچون چراغی می‌دانند که در عین داشتن روشنایی راه را نمی‌شناسد. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۹۵). این بیان نشان‌دهنده آن است که عقل هرچند ضروری است، اما بدون هدایت وحی کافی نیست.

مؤلفه عقلانیت شامل مضامین پایه زیر است:

۱-۲. علم و دانش اندوزی: مقام معظم رهبری با تأکید بر جایگاه رفیع علم‌اندوزی در منظومه فکری اسلام، بر این موضوع به عنوان یک «وظیفه دینی» همگانی تأکید می‌ورزند. از دیدگاه ایشان، کسب علم تنها مختص به قشر خاصی از جامعه مانند دانشمندان و پژوهشگران نیست، بلکه فراگیری دانش برای همه افراد جامعه یک ضرورت شرعی و عقلانی محسوب می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۵/۲۳). ایشان در بیانات خود با تصریح با اینکه در اسلام، کسب علم برای همه لازم است، نه فقط برای عالمان (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۵/۲۳) علم‌آموزی را از حیظه‌ای تخصصی و محدود خارج ساخته و آن را به حریمی همگانی و همیشگی تبدیل می‌کنند.

ایشان همچنین بر کاربردی و نافع بودن علم تأکید ویژه‌ای دارند. از دیدگاه ایشان، علمی ارزشمند است که بتواند موجب رشد و تعالی فرد و جامعه شده و زمینه‌ساز پیشرفت و تعالی امت اسلامی باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۶/۱۲). ایشان علم را به عنوان ابزاری برای حل مشکلات جامعه و دستیابی به استقلال و خودکفایی دانسته و بر تولید علم و جنبش نرم‌افزاری به عنوان ضرورتی انکارناپذیر در جهان معاصر تأکید می‌ورزند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۷/۱۵). این دیدگاه، علم را از حالت انتزاعی خارج کرده و آن را به عاملی مؤثر در تحقق تمدن نوین اسلامی تبدیل می‌کند.

۲-۲. نقد پذیری: محوریت جایگاه نقادی و انعطاف‌پذیری فکری در اندیشه اسلامی، همواره بر لزوم اجتناب از تعصبات بی‌جا، جمود ذهنی و تقلید غیرنقادانه تأکید دارد. ایشان با تبیین پیامدهای زیانبار تحجّر فکری، آن را سدّی راهبردی در مسیر پیشرفت و تعالی جامعه اسلامی برمی‌شمرند. در بیانی ژرف‌نگرانه، پذیرش نقد را نماد توانمندی و شکوه نظام اسلامی خوانده و متذکر می‌شوند: «نظام اسلامی می‌بایست از چنان اقتدار و استحکامی برخوردار باشد که بتواند نقدها را پذیرفته و از آنها بهره‌مند گردد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۹/۱۲).

۲-۳. تدبر و تفکر: جایگاه رفیع «تدبر» و «تفکر» در اسلام، باعث می‌شود آن را کلید فهم عمیق معارف دینی و شناخت آیات الهی بدانیم. ایشان با اشاره به آیه ۱۹۱ سوره آل عمران «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»، تفکر در آیات تکوینی را عبادتی بزرگ معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «همان‌طور که در آیات قرآن باید تدبر کرد، در آیات تکوینی و کتاب آفرینش نیز باید تفکر و تأمل نمود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۵/۱۰).

ایشان همچنین با تبیین رابطه بین تفکر و عبادت، می‌فرمایند: «برترین عبادت‌ها آن است که با تفکر و آگاهی همراه باشد؛ تفکر در خلقت، خود بزرگ‌ترین عبادت است» (خامنه‌ای، ۲۱/۰۷/۱۳۹۹). این نگاه، تفکر و تدبر را از جایگاهی رفیع در منظومه عبادات اسلامی برخوردار می‌سازد و آن را زمینه‌ساز شناخت عمیق‌تر خداوند و آیات او می‌داند.

۲-۴. حکمت و مشورت: اهمیت «حکمت» و «مشورت» در نظام تصمیم‌گیری اسلامی، از آن رو است که نشانه بلوغ فکری و عقلانیت مدیریتی است. رهبر انقلاب اسلامی در سخنان خود با استشهاد به آیه ۱۵۹ سوره آل عمران «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»، مشورت را از شاخصه‌های بنیادین مدیریت اسلامی دانسته و تصریح می‌فرماید: «مشورت، سرمایه‌ای بی‌بدیل برای مدیران محسوب می‌شود؛ هیچ مدیری در غیاب مشورت قادر به کسب موفقیت پایدار نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۵/۲۳).

ایشان در بیانی دیگر با تمسک به حدیث نبوی «مَا خَابَ مَنْ اسْتَخَارَ وَلَا نَدِمَ مَنْ اسْتَشَارَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵، ۲۳۴) مشورت را ضامن اتخاذ تصمیم‌های صحیح و مانع پشیمانی برشمرده و تأکید می‌کنند: «انسان خردمند می‌بایست از گنجینه تجربیات دیگران بهره‌گیرد؛ مشورت نمودن، به معنای بهره‌گیری از خرد جمعی است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۹/۱۲).

این ساختار مفهومی گویای آن است که عقلانیت در سبک زندگی اسلامی، نه تنها با معنویت در تعارض نیست، بلکه به مثابه ابزار و مکانیسمی ضروری برای تحقق اهداف متعالی حیات به کار می‌رود. این خردورزی یکپارچه، هر دو بُعد نظری (کشف حقایق) و عملی (تدبیر زندگی) را دربرگرفته و در پرتو هدایت و حیانی به کمال مطلوب نائل می‌آید.

۳- اخلاق اجتماعی (ساختار روابط)

این مؤلفه به عنوان نظام تنظیم‌کننده روابط انسانی در سبک زندگی اسلامی عمل می‌کند و نقش سیستم ایمنی را در پیکره جامعه ایفا می‌نماید. تحلیل بیانات مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که اخلاق اجتماعی، به مثابه چارچوبی برای تعاملات سازنده و عادلانه، جایگاه محوری در هندسه اجتماعی اسلام دارد. مقام معظم رهبری با اشاره به اخلاق اسلامی به عنوان اساس زندگی اجتماعی (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۷/۲۳)، بر نقش بنیادین اخلاق در تعالی جامعه تأکید می‌کنند. ایشان در بیانی دیگر اخلاق را روح جامعه اسلامی خوانده و می‌فرمایند: «جامعه‌ای که اخلاق در آن حاکم باشد، مانند بدنی سالم است که همه اعضای آن به درستی کار می‌کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۵/۱۲).

شهید مرتضی مطهری با ارائه تحلیلی عمیق از فلسفه اخلاق در اسلام، اخلاق اجتماعی را تنظیم‌کننده روابط انسان‌ها بر اساس عدالت و احسان دانسته و معتقد است: «اسلام، اخلاق را نه تنها برای سعادت آخرت، بلکه برای آبادانی دنیا و تنظیم روابط اجتماعی ضروری می‌داند» (مطهری، ۱۳۷۸: ۲، ۶۷). وی تصریح می‌کند که اخلاق اسلامی، اخلاقی اجتماعی است که جهت بخش رابطه انسان با هم نوعان خود است. (مطهری، ۱۳۷۸: ۲، ۷۲).

علامه سید محمدحسین طباطبایی در تفسیر المیزان، اخلاق را تجلی ایمان در رفتار اجتماعی و نشان‌دهنده درجه کمال انسانی می‌داند. ایشان معتقدند: «اخلاق نیکو، بهترین نشانه سلامت روح و تقرب به خداست» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸، ۱۵۶). از دیدگاه ایشان، جامعه‌ای که بر مدار اخلاق می‌گردد، مانند کشتی‌ای است که مسافران آن در رسیدن به مقصد با یکدیگر در کمال همکاری اند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸، ۱۶۱)

حضرت آیت‌الله جوادی آملی با تبیین رابطه اخلاق و اجتماع، اخلاق را پل ارتباطی بین فرد و جامعه دانسته و معتقدند: اخلاق اسلامی، فردگرایی افراطی و جمع‌گرایی مطلق را رد می‌کند و به تعادل

بین حقوق فرد و جامعه توجه دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۳۴). ایشان در تشریح این مفهوم اخلاق اجتماعی را حلقه وصل بین تکامل فردی و تعالی اجتماعی می‌دانند. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۳۹).

این مؤلفه اصلی شامل مضامین پایه زیر است:

۱-۳. صداقت و راستگویی: محوریت «صداقت و راستگویی» در روابط اجتماعی، از آن رو است که اساس اعتماد عمومی در بنیان جامعه اسلامی را شکل می‌دهد. ایشان با استناد به آموزه‌های دینی، راستگویی را «کلید اعتماد اجتماعی» معرفی کرده و هشدار می‌دهند: «جامعه‌ای که اعتماد در آن نباشد، مانند ساختمانی است که بنیان آن سست است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۸/۱۵). همچنین در بیانات دیگری تصریح می‌کنند: «دروغگویی، ویران‌کننده اعتماد عمومی و تهدیدکننده سلامت اجتماعی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۵/۳). ایشان صداقت را نه تنها یک فضیلت اخلاقی، بلکه «ضرورتی اجتماعی» برای پایداری نظام اسلامی می‌دانند که باید در تمام سطوح فردی و اجتماعی نهادینه شود.

۲-۳. عدالت و انصاف: عدالت و انصاف، بنیان استوار حکومت اسلامی و محور اساسی پیشرفت جامعه به شمار می‌رود. مقام معظم رهبری با تصریح بر اینکه «عدالت، محور اصلی در تمامی ساحت‌های حکومت اسلامی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۳/۱۵)، جامعه عادلانه را به پیکری تندرست تشبیه می‌نمایند که تمامی اجزای آن به صورت متوازن از نعمت‌ها بهره‌مند هستند. ایشان با هشدار درباره پیامدهای فقدان عدالت تأکید می‌فرمایند: «جامعه‌ای که از عدالت محروم باشد، همانند کالبدی است که برخی اعضای آن سالم و بخشی دیگر گرفتار بیماری باشند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۴/۱۰). عدالت از منظر ایشان صرفاً به برابری اقتصادی محدود نبوده، بلکه به معنای استقرار هر امری در جایگاه شایسته خود در تمامی حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است.

۳-۳. احترام متقابل: احترام متقابل، زیربنای پاسداری از کرامت انسانی در جامعه اسلامی به شمار می‌رود. مقام معظم رهبری با استناد به آیه ۷۰ سوره اسراء «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»، تکریم کرامت ذاتی انسان را حقی همگانی دانسته و می‌فرمایند: «احترام متقابل، اساس زندگی اجتماعی و نماد رشد فکری جامعه است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۷/۲۳). ایشان همچنین تأکید می‌کنند: «هیچ فردی مجاز به آسیب‌رسانی به حرمت و کرامت دیگران نیست؛ این امر هم حق الناس محسوب می‌شود و هم حق الله» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۵/۱۰). از دیدگاه ایشان، احترام متقابل تنها یک سفارش اخلاقی نبوده، بلکه نیازی اجتماعی برای انسجام و وحدت امت اسلامی به شمار می‌رود.

۳-۴. ایثار و گذشت: ایثار و گذشت از والاترین ارزش‌های اسلامی و نشانه بارز جامعه متعالی است. ایشان با استناد به سوره حشر «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»، ایثارگری را «ویژگی ممتاز جامعه اسلامی» برشمرده و تصریح می‌فرمایند: «جامعه اسلامی باید جامعه‌ای باشد که در آن، افراد منافع جمعی را بر منافع شخصی ترجیح دهند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۲/۲۵). همچنین می‌فرمایند: «ایثار یعنی گذشتن از حق خود برای دیگران؛ این همان چیزی است که جامعه را زنده نگه می‌دارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۷/۱۲).

۳-۵. نظم و قانون‌گرایی: نظم و قانون‌پذیری از ستون‌های استوار جامعه اسلامی و نماد بلوغ اجتماعی به شمار می‌روند. مقام معظم رهبری با استناد به آیه ۵۸ سوره نساء «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»، پایبندی به قانون را «وظیفه‌ای دینی و خردپسند» دانسته و تصریح می‌فرمایند: «نظم جمعی و قانون‌گرایی، پشتیبان پیشرفت کشور و خوشبختی ملت است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۶/۱۲). ایشان همچنین می‌فرمایند: «قانون‌مدری صرفاً به معنای پیروی از آیین‌نامه‌ها نیست، بلکه نشان‌دهنده احترام به حقوق اجتماعی و کرامت انسانی است» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۳/۸). ایشان انضباط را «بنیان حکمرانی شایسته» و عامل تشخیص جامعه اسلامی از دیگر جوامع برمی‌شمرند.

بررسی این مبانی نشان می‌دهد که اخلاق اجتماعی در سبک زندگی اسلامی، و رای مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها، به عنوان نظامی پویا و زنده برای تنظیم روابط انسانی بر پایه دادگری و نیکوکاری عمل می‌کند. این نظامواره، در کنار حفظ حقوق شخصی، وظایف و تعهدات اجتماعی را نیز مورد توجه قرار داده و در پرتو باور دینی به تکامل می‌رسد.

۴- اقتصاد و معیشت (سبک زیست مادی)

این عنصر به عنوان چارچوب سازمان‌دهنده رفتارهای اقتصادی و الگوی مصرف در سبک زندگی اسلامی عمل نموده و کارکردی حیاتی در پیکره اقتصادی جامعه داراست. رهبر معظم انقلاب اقتصاد اسلامی را نه به مثابه هدفی مستقل، بلکه به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف متعالی زندگی و تقرب به خداوند متعال، دارای جایگاهی ویژه در منظومه حیات طیبه می‌دانند. ایشان با تأکید بر اقتصاد مقاومتی به عنوان الگوی اقتصادی زندگی (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱/۱)، بر ضرورت بازنگری اساسی در الگوی مصرف و رفتارهای اقتصادی پای می‌فشارند.

همچنین در جایی دیگر اقتصاد را مسیر بندگی توصیف نموده و تصریح می‌فرمایند: «در اقتصاد اسلامی، کسب روزی حلال، خود عبادت به شمار آمده و انفاق در راه خدا، تکمیل‌کننده چرخه عبودیت است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۷/۱۲).

علامه سید محمدحسین طباطبایی در تفسیر المیزان، اقتصاد را تجلی عدالت در عرصه معیشت می‌خواند که نشان‌دهنده تعادل حیاتی در نظام آفرینش است. ایشان معتقدند: جامعه‌ای که بر اساس فطرت الهی حرکت می‌کند، دارای اقتصادی متعادل نیز هست. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱، ۱۷۸). از دیدگاه ایشان، «اسراف و تبذیر، نه تنها گناه اقتصادی، بلکه نشانه بی‌اعتدالی در نظام وجودی انسان است» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱، ۱۸۳).

حضرت آیت‌الله جوادی آملی با تبیین رابطه اقتصاد و عبودیت، اقتصاد اسلامی را تجارت با خدا می‌داند و معتقدند: در نگاه اسلامی، هر معامله‌ای، پیمانی با خداست که باید بر اساس عدالت و صداقت باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۲۰۱). ایشان در تشریح این مفهوم تأکید می‌کنند: «اقتصاد اسلامی، اقتصادی قدسی است که در آن، کسب حلال، انفاق مستحب، و ترک حرام، سه ضلع مثلث عبودیت اقتصادی را تشکیل می‌دهند» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۲۰۷). این مفهوم زیرشاخه‌های زیر را دربر می‌گیرد:

۴-۱. قناعت و میانه‌روی: مقام معظم رهبری قناعت و میانه‌روی را از ارکان مهم سبک زندگی اسلامی و عامل استقلال اقتصادی می‌دانند. ایشان با استناد به آیه ۶۷ سوره فرقان «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا»، قناعت را «کلید عزت نفس و استقلال ملی» برمی‌شمرند و تصریح می‌فرمایند: «قناعت، یعنی مصرف در حد نیاز و پرهیز از اسراف که ضامن عزت جامعه اسلامی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۵/۲۳). ایشان از اسراف به عنوان خیانت به نعمت‌های الهی و عاملی برای وابستگی اقتصادی یاد نموده (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۷/۱۵) و میانه‌روی را نماد عقلانیت اقتصادی می‌دانند که تضمین‌کننده عدالت اجتماعی است.

۴-۲. انضباط مالی: انضباط مالی از ارکان اساسی اقتصاد مقاومتی و سبک زندگی اسلامی است. ایشان با تأکید بر آیه ۲۹ سوره اسراء «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ»، مدیریت مالی را نماد تعادل و میانه‌روی اسلامی برمی‌شمرده و تصریح می‌فرمایند: «انضباط مالی، شرط لازم برای پیشرفت اقتصادی و استقلال مالی خانواده‌هاست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۹/۱۲). همچنین

می‌فرمایند: «مدیریت دخل و خرج، هنری است که باید از سنین جوانی آموخته شود تا جامعه به مصرف صحیح عادت کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۵/۲۳).

۳-۴. کار و کوشش: در دیدگاه اسلام کار و کوشش از ارکان مهم اقتصاد اسلامی و عبادتی ارزشمند است. ایشان با استناد به حدیث نبوی «الْكَادُ لِعِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۲۱، ۵۱۰)، کار برای تأمین معاش حلال را هم‌تراز جهاد در راه خدا برمی‌شمرده و تصریح می‌فرمایند: «کار و تلاش، تنها وسیله امرار معاش نیست، بلکه عبادتی است که کرامت انسان را حفظ می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۲/۱۲). همچنین با اشاره به اینکه اقتصاد کشور باید بر پایه کار و تولید باشد، نه دلالی و رانت‌خواری (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۶/۱۸) کار تولیدی را اساس استقلال اقتصادی و عامل عزت ملی می‌دانند.

۴-۴. پرهیز از ربا و حرام: بر پایه آموزه‌های اسلامی مستفاد از آیات و روایات، حرمت ربا در شریعت اسلام مورد تأکید قرار گرفته و اجتناب از معاملات ربوی به عنوان شرط اساسی سلامت اقتصادی جامعه قلمداد می‌شود. مقام معظم رهبری با استناد به آیه ۲۷۵ سوره بقره «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقْوَمُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ»، ربا را عامل تخریب‌گر اقتصاد و مختل‌کننده عدالت اجتماعی معرفی نموده و تصریح می‌فرمایند: «رباخواری، اقتصاد ملی را به بیماری دچار کرده و پیوندهای انسانی را تضعیف می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷-۸-۲۵). ایشان همچنین با هشدار به اینکه داد و ستدهای مشوب به شبهه، همانند ربا، اعتماد عمومی را متزلزل ساخته و برکت اقتصادی را زایل می‌نماید (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۵/۱۰). اذعان می‌دارند طهارت اقتصادی شالوده اقتصاد مقاومتی و زمینه‌ساز جلب رحمت الهی است.

۴-۵. تولید ملی: خوداتکایی اقتصادی به عنوان یک راهبرد کلان، در اندیشه اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و تولید داخلی، تکلیفی دینی و ملی محسوب می‌شود. این رویکرد نه تنها استقلال اقتصادی را تضمین می‌کند، بلکه زمینه‌ساز عزت و اقتدار نظام اسلامی در عرصه بین‌المللی است. مقام معظم رهبری در این زمینه با بیانی ژرف می‌فرمایند: «حمایت از کالای ایرانی، در حقیقت پشتیبانی از اشتغال جوانان و استقلال تمام‌عیار کشور است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱/۱). ایشان با تبیین جامع اقتصاد مقاومتی تصریح می‌کنند: «اقتصاد مقاومتی به اقتصادی اطلاق می‌شود که در آن تولید ملی شکوفا شده و کشور از قید وابستگی‌های خارجی رهایی یابد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۵/۲۳).

این دیدگاه راهبردی، اقتصاد مقاومتی را به عنوان الگویی عملی برای مقابله با فشارهای اقتصادی دشمنان و تحریم‌های ناعادلانه ارائه می‌دهد. تأکید بر توسعه تولید داخلی و کاهش وابستگی به واردات، نه تنها امنیت اقتصادی کشور را افزایش می‌دهد، بلکه زمینه‌ساز ایجاد اشتغال پایدار و رشد اقتصادی همه‌جانبه خواهد بود.

تحلیل این نظام مفهومی حاکی از آن است که اقتصاد در سبک زندگی اسلامی، فراتر از مجموعه‌ای از اصول مادی، به عنوان چارچوبی ارزش‌بنیاد برای سازماندهی کنش‌های اقتصادی بر مبنای عدالت و پرهیزگاری عمل می‌کند. این نظام اقتصادی، توأمان به ضروریات معیشتی و آرمان‌های متعالی توجه داشته و در پرتو تعالیم شرعی به کمال مطلوب دست می‌یابد.

۵- نهاد خانواده (کانون تربیت)

این مؤلفه به عنوان هسته مرکزی و کانون اصلی تربیت در سبک زندگی اسلامی عمل می‌کند و نقش قلب تپنده‌ای را در پیکره جامعه اسلامی ایفا می‌نماید. نهاد خانواده، به عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد تربیتی جامعه، جایگاهی بی‌بدیل در هندسه اجتماعی اسلام دارد. مقام معظم رهبری با اشاره به خانواده به عنوان اساس جامعه اسلامی بر اهمیت تحکیم نهاد خانواده تأکید می‌کنند. ایشان در بیانی خانواده را «پایگاه اصلی تربیت انسان‌های صالح» خوانده و می‌فرمایند: «اگر خانواده سالم باشد، جامعه سالم خواهد بود و اگر دچار آسیب شود، کل جامعه دچار مشکل می‌شود». (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۷/۱۲)

شهید مرتضی مطهری با ارائه تحلیل جامعی از فلسفه خانواده در اسلام، نهاد خانواده را مهد تربیت انسان‌های کامل دانسته و معتقد است: «خانواده، کارگاه انسان‌سازی است و هیچ نهاد دیگری نمی‌تواند جایگزین آن شود» (مطهری، ۱۳۷۹: ۴، ۱۲۳). وی در جای دیگری تصریح می‌کند: «اسلام برای نهاد خانواده چنان اهمیتی قائل است که آن را کانون آرامش و مودت معرفی می‌کند» (مطهری، ۱۳۷۹: ۴، ۱۳۴).

حضرت آیت‌الله جوادی آملی با تبیین رابطه خانواده و تربیت دینی، خانواده را اولین مدرسه و بهترین دانشگاه دانسته و معتقدند: «خانواده، کارگاه سازنده شخصیت انسان است و نقش آن در تربیت، غیرقابل جایگزین است» (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۱۸۹). ایشان در تشریح این مفهوم تأکید می‌کنند: خانواده اسلامی، باید به گونه‌ای باشد که نسلی را پرورش دهد که هم دنیایش آباد باشد و هم آخرتش. (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۱۹۵)

این مفهوم کلی، بخش‌های زیر را شامل می‌گردد:

۱-۵. تربیت نسلی انقلابی: مقام معظم رهبری با تأکید بر رسالت خطیر خانواده‌ها، تربیت نسلی انقلابی و متدین را «مأموریت اصلی نهاد خانواده» می‌داند. ایشان با استناد به روایات اهل بیت (ع)، تربیت اسلامی را «حق مسلم فرزندان» برشمرده و تصریح می‌فرمایند: «خانواده‌ها باید نسلی پرورش دهند که هم ارزش‌های دینی را پاس بدارد و هم آرمان‌های انقلاب را زنده نگه دارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۳/۱۵). ایشان همچنین می‌فرمایند: «تربیت انقلابی یعنی پرورش جوانانی که هم با قرآن مانوس باشند و هم با شهادت» (۱۴۰۰/۵/۱۹).

۲-۵. احترام به والدین: در منظومه ارزشی اسلام، والدین از جایگاه رفیعی برخوردارند و تکریم ایشان به عنوان یکی از برترین واجبات اجتماعی قلمداد می‌شود. با استناد به آیه ۲۳ سوره اسراء «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»، احسان به والدین هم‌ردیف با توحید شمرده شده است. این اصل بیان می‌دارد که «احترام به پدر و مادر، نه تنها یک وظیفه اخلاقی، بلکه فرمان صریح پروردگار است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۷/۲۳). تکریم والدین ضامن برکت زندگی و نشانه‌ای از رشد معنوی جامعه تلقی می‌گردد، در حالی که بی‌احترامی به ایشان، زنگ خطری جدی برای انحطاط اخلاقی و زوال اجتماعی محسوب می‌شود.

۳-۵. پوشش و حجاب: در اندیشه اسلامی، حجاب به مثابه یک اصل بنیادین، جایگاهی رفیع و محوری دارد و کارکرد اصلی آن، حفظ کرامت انسانی و تأمین مصونیت اجتماعی تعریف شده است. این فریضه که ریشه‌ای عمیق در آموزه‌های قرآنی، از جمله آیه ۵۹ سوره احزاب «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلزَّوْجِ كَ» دارد، نه تنها یک دستور الهی برای تعالی فردی است، بلکه به عنوان عاملی کلیدی در تضمین سلامت و پایداری جامعه شناخته می‌شود. این رویکرد، حجاب را فراتر از یک پوشش ظاهری، نشانه‌ای از تعبد و باور عمیق به مبدأ هستی و یک ارزش اسلامی اصیل می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۷/۲۳). از سوی دیگر، پدیده بی‌حجابی نه تنها به عنوان یک ناهنجاری اجتماعی، بلکه به مثابه توطئه‌ای هدفمند از سوی دشمنان برای تضعیف و تخریب بنیان خانواده مورد تحلیل قرار می‌گیرد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۵/۱۲)

۴-۵. آماده‌سازی جوانان برای ایفای نقش: جوانان به عنوان محور اصلی تحولات آینده کشور، نیازمند آماده‌سازی و توانمندسازی هستند که این مهم رسالتی اساسی برای نظام اسلامی محسوب

می‌شود. مقام معظم رهبری در این زمینه تصریح می‌فرماید: «جوانان ما باید برای اداره آینده کشور آماده شوند و این مسئولیت بزرگی بر عهده خانواده‌ها و نظام آموزشی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۷/۱۲). ایشان همچنین می‌فرمایند: «جوان انقلابی باید هم دارای بینش عمیق دینی باشد و هم توانایی مدیریت جامعه را داشته باشد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۵/۱۹).

تحلیل این مفاهیم اساسی نشان می‌دهد که کانون خانواده در سبک زندگی اسلامی، به عنوان اساسی‌ترین نهاد پرورشی و فرهنگی جامعه ایفای نقش می‌کند. خانواده اسلامی می‌بایست به مثابه بستری باشد که در آن ارزش‌های دینی و آرمان‌های انقلابی به نسل آینده انتقال یافته و جوانانی متعهد، مسئولیت‌پذیر و انقلابی تربیت شوند.

۶- سلامت و تندرستی

این مضمون به عنوان نظام جامع نگهداری و ارتقای سرمایه انسانی در سبک زندگی اسلامی عمل نموده و نقش حافظ تعادل را در پیکره وجودی انسان ایفا می‌نماید. سلامت در نگاه اسلامی، مفهومی چندبعدی و همه‌جانبه است که از ساحت جسمانی آغاز شده و تا ابعاد روانی، معنوی و اجتماعی امتداد می‌یابد. مقام معظم رهبری با تأکید بر سلامت به عنوان نعمت الهی، بر اهمیت حفظ تندرستی به عنوان امانت خداوند تأکید می‌کنند. ایشان در بیاناتی روشنگرانه، سلامت را بستر تکامل خواننده و می‌فرمایند: «بدن سالم، مرکب روح است برای رسیدن به قرب الهی، و حفظ سلامت، عبادتی است که زمینه‌ساز دیگر عبادات می‌شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۵/۲۳).

شهید مرتضی مطهری با ارائه تحلیل فلسفی از جایگاه بدن در نظام آفرینش، سلامت را شرط لازم برای فعلیت یافتن استعدادهای انسانی دانسته و معتقد است: در نگاه اسلامی، جسم و روح دو بعد به هم پیوسته‌ای هستند که هر یک در سلامت دیگری تأثیر مستقیم دارند. (مطهری، ۱۳۸۰: ۵، ۶۷). وی در جای دیگری تصریح می‌کند: «بی‌اعتنایی به سلامت جسم، در حقیقت خیانت به امانت الهی است و مانع از انجام بسیاری از تکالیف شرعی می‌شود» (مطهری، ۱۳۸۰: ۵، ۷۲).

۱-۶. سلامت جسمی: در اسلام، مراقبت از تندرستی جسمانی به عنوان یک «وظیفه دینی و خردپسند» مورد تأکید قرار گرفته است. بر پایه ضرب المثل «الْعَقْلُ السَّلِيمُ فِي الْبَدَنِ السَّلِيمِ»، سلامت بدنی بستر لازم برای انجام عبادات و مشارکت‌های اجتماعی مؤثر شناخته می‌شود. مقام معظم رهبری در این زمینه تصریح می‌فرمایند: «پرهیز از آسیب‌های جسمی و رعایت بهداشت، بخشی از

مسئولیت‌های دینی ماست» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۳/۱۵). ورزش و تحرک بدنی به عنوان ضرورتی برای حفظ سلامتی مورد توجه قرار گرفته و هشدار داده شده که سبک زندگی غربی با ترویج بی‌تحرکی، سلامت جامعه را به مخاطره می‌اندازد.

۲-۶. سلامت روانی: در اسلام، سلامت روانی به عنوان یکی از ابعاد مهم سلامتی مورد توجه قرار گرفته و آرامش روحی، پیامد مستقیم ایمان و توکل به خداوند دانسته شده است. بر اساس آیه ۲۸ سوره رعد «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»، آرامش قلبی موهبتی الهی برای مؤمنان محسوب می‌شود. مقام معظم رهبری در این زمینه تصریح می‌فرماید: «امید و توکل، بهترین دارو برای بیماری‌های روحی و اضطراب‌های زندگی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۵/۲۳). ایشان همچنین می‌فرمایند: «دوری از حسد، کینه و اضطراب، نشانه سلامت روان و تقرب به خداست» (خامنه‌ای، ۱۵/۰۳/۱۴۰۰).

۳-۶. پرهیز از اعتیاد: خطرات ویرانگر اعتیاد، ضرورت مبارزه با مواد مخدر را به یک «جهاد بزرگ ملی» تبدیل کرده است. اعتیاد به مثابه «زدان اراده و عقل انسان» عمل نموده و می‌تواند سلامت جسمی و روحی فرد را به شدت تهدید نماید. در همین راستا، مقام معظم رهبری به صراحت بیان داشته‌اند که «اعتیاد، بلای خانمانسوزی است که هم جسم و هم روح انسان را نابود می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۵/۲۳). ایشان همچنین خاطر نشان ساخته‌اند که «مبارزه با مواد مخدر، تنها وظیفه دولت نیست، بلکه مسئولیتی همگانی است» (خامنه‌ای، ۱۵/۰۳/۱۴۰۰).

۴-۶. نشاط و امیدواری: امید و نشاط از ارکان اساسی و حیاتی برای شکل‌گیری یک جامعه پویا و پیشرو محسوب می‌شوند. با نگاهی به تجربیات تاریخی ملت ایران، می‌توان دریافت ملتی که توانست در سخت‌ترین شرایط یک انقلاب بزرگ را به پیروزی برساند، امروز نیز با حفظ روحیه نشاط و امیدواری قادر خواهد بود بر تمامی چالش‌ها فائق آید. در همین راستا مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «نشاط جوانان، موتور محرکه پیشرفت کشور و عامل شکست تمام دسیسه‌های دشمنان است» (خامنه‌ای، ۱۵/۰۳/۱۴۰۰). ایشان در ادامه هشدار می‌دهند یأس و ناامیدی، بزرگ‌ترین سلاح دشمنان برای متوقف کردن پیشرفت کشور بوده و بر اهمیت حفظ روحیه مثبت در جامعه تأکید می‌کنند.

۵-۶. ورزش و تحرک: در اسلام، ورزش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و به عنوان عاملی برای تقویت توانایی‌های جسمی و روحی مورد تأکید قرار گرفته است. ورزش علاوه بر تأثیرات مثبت جسمی، نقش مؤثری در ایجاد شادابی اجتماعی ایفا می‌کند. مقام معظم رهبری در این زمینه تصریح

می‌فرمایند: «ورزش، تنها یک فعالیت بدنی نیست، بلکه ابزاری برای تربیت انسان‌های منظم و بااراده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۵/۲۳). ایشان همچنین می‌فرمایند: «جامعه‌ای که ورزش را جدی بگیرد، از نظر سلامت جسمی و روانی در وضعیت مطلوبی قرار خواهد گرفت» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۳/۱۵).

تحلیل این ساختار مفهومی نشان می‌دهد که تندرستی در سبک زندگی اسلامی، فراتر از فقدان بیماری، وضعیت مطلوب کامل زیستی، روانی و اجتماعی است که انسان را برای ایفای مسئولیت‌های فردی و اجتماعی آماده می‌سازد. این دیدگاه جامع‌نگر به سلامت، هم‌زمان به ابعاد مادی و معنوی وجود توجه داشته و در پرتو تعالیم اسلامی به تحقق کامل دست می‌یابد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تبیین مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب و ارائه راهکارهای عملیاتی برای نهادینه‌سازی آن، به تحلیل نظام‌مند این بیانات با روش تحلیل مضمون پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان داد که سبک زندگی اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری، مبتنی بر شش مضمون اصلی به هم پیوسته است: «معنویت و بینش توحیدی» به عنوان بنیان غایی، «عقلانیت و خردورزی» به عنوان روش و ابزار، «اخلاق اجتماعی» به عنوان ساختار روابط، «اقتصاد و معیشت» به عنوان سبک زیست مادی، «نهاد خانواده» به عنوان کانون تربیت، و «سلامت و تندرستی» به عنوان عامل ارتقای سرمایه انسانی.

تحلیل عمیق این مضامین با بهره‌گیری از دیدگاه‌های سایر اندیشمندان اسلامی همچون شهید مطهری، علامه طباطبایی، آیت‌الله جوادی آملی و علامه حسن‌زاده آملی نشان داد که سبک زندگی اسلامی در این سند راهبردی، دارای ویژگی‌های منحصر به فرد زیر است:

- ❖ **هستی‌شناسی توحیدی:** سبک زندگی اسلامی بر پایه جهان‌بینی توحیدی شکل گرفته که در آن تمامی ابعاد زندگی، از جمله اقتصاد و سلامت، به عنوان عرصه‌ای برای عبودیت و تقرب به خداوند تعریف می‌شود.
- ❖ **جامعیت و همه‌جانبه‌گی:** این سبک زندگی، تمامی ابعاد وجودی انسان از جمله جسم، روان، عقل و روح را در بر می‌گیرد و به هیچ‌یک از این ابعاد به صورت مجزا نمی‌نگرد.

❖ **تعادل و میانه‌روی:** برقراری تعادل بین مادیت و معنویت، فرد و جامعه، دنیا و آخرت از ویژگی‌های بارز این الگوی زندگی است.

❖ **عقلانیت دینی:** عقلانیت در این الگو، نه در تقابل با دین، بلکه در خدمت دین و مکمل آن است و به عنوان "حجت باطنی" عمل می‌کند.

❖ **مسئولیت‌پذیری اجتماعی:** این سبک زندگی، فرد را در برابر جامعه مسئول می‌داند و بر تعهدات اجتماعی به عنوان بخشی از تعهدات دینی تأکید می‌ورزد.

برای نهادینه‌سازی این الگو، راهکارهای عملیاتی در سه سطح پیشنهاد می‌شود:

در سطح کلان: بازنگری در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، آموزشی و اقتصادی بر اساس مضامین استخراج شده

در سطح میانی: طراحی برنامه‌های آموزشی و تربیتی برای نهادهای فرهنگی و آموزشی

در سطح خرد: ترویج الگوهای عملی رفتاری در بین خانواده‌ها و افراد جامعه

این پژوهش از آن جهت دارای اهمیت است که برای اولین بار به ارائه مدلی جامع از سبک زندگی اسلامی بر اساس بیانات رهبر معظم انقلاب پرداخته و زمینه را برای تحقیقات آتی در زمینه سنجش میزان تحقق این الگو و شناسایی موانع اجرایی‌سازی آن فراهم می‌کند. برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود به بررسی تطبیقی این الگو با دیگر الگوهای سبک زندگی و نیز سنجش اثربخشی راهکارهای پیشنهادی بپردازند.

فهرست منابع

- بوردیو، پیر (۱۳۸۳). تمایز: نقد اجتماعی قضاوت ذوق، ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، چاپ چهارم. قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). فلسفه حقوق بشر، چاپ سوم. قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). ولایت فقیه؛ ولایت فقاقت و عدالت. قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). مراحل اخلاق در قرآن. قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴). حق و تکلیف در اسلام. قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷). فلسفه حقوق بشر، چاپ سوم. قم: انتشارات اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، جلد ۱. قم: مؤسسه آل‌البت علیهم‌السلام.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۲). الحیاه، جلد ۱. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴-۱۴۰۴). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری. <https://farsi.khamenei.ir>
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۲۰-۱. بیروت: مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات.
- کیم، جان (۱۴۰۰). نظریه سبک زندگی از دیدگاه وبر، پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، (۳) ۱۵، ۵۸-۱۲۸.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۰). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، جلد ۱. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، جلد ۷۵. بیروت: مؤسسه‌الوفاء.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). مجموعه آثار، جلد ۵. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). عدل الهی، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). فطرت، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مجموعه آثار، جلد ۳. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). مجموعه آثار، جلد ۲. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). مجموعه آثار، جلد ۴. تهران: انتشارات صدرا.
- وبر، ماکس (۱۳۵۷). اقتصاد و جامعه، جلد ۱ و ۲. ترجمه عباس منوچهری و دیگران. تهران: انتشارات مولی.

- Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste* (R. Nice, Trans.). Harvard University Press. (Original work published 1979)
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Giddens, A. (۱۹۹۱). *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*. Stanford University Press.
- Kim, J. (2021). Max Weber's theory of lifestyle: A contemporary review. *Sociology Compass*, 15(3), 45-60. <https://doi.org/10.1111/soc4.12858>
- Weber, M. (1978). *Economy and Society: An Outline of Interpretive Sociology* (G. Roth & C. Wittich, Eds.; Vol. 2). University of California Press. (Original work published 1922)